

# کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودکیه‌ای - شماره سی و نه

Jeff Pippenger

2026-02-02

## عدد سی و نه

آزمون سنگ سر اُمگای درونی که پس از آزمون بنیان آلفای بیرونی سال ۲۰۲۴ می‌آید، مستلزم تعریف «انبار» و نیز «خوراک» است که در آن انبار نگهداری می‌شود. این آزمون نبوی است و خط حقیقت درونی و بیرونی دارد. آیا «جواهر» همان «باقیه» نزد جیمز وایت‌اند، یا حقایق کلام خدا؟ هر دو هستند.

در ۱۱ سپتامبر، قوم خدا فراخوانده شدند تا کتابچه کوچک را بخورند و به راه‌های کهن ارمیا بازگردند، جایی که آنگاه بنیان‌ها نهاده شدند. در ۱۱ سپتامبر دیده شد که هنگامی که به یوحنا در باب یازدهم مکاشفه گفته شد که بسنجد، به او گفته شد دو چیز را بسنجد. به او گفته شد هم هیکل را و هم پرستندگان درون آن را بسنجد. به او گفته شد صحن را واگذارد؛ صحن مربوط به ۱،۲۶۰ سال پایمال کردن قدس و لشکر از سوی امم. قدس و لشکر همان هیکل و پرستندگان درون آن‌اند.

در سال ۲۰۲۳، همان فرشته‌ای که در یازدهم سپتامبر نازل شده بود، بار دیگر نازل شد و مهر از پیام فریاد نیمه‌شب برداشت، و سپس در سال ۲۰۲۴ آزمون بنیادین بیرونی این‌که آیا نماد روم همچنان، همان‌گونه که برای میلریتیان کرده بود، رؤیا را تثبیت می‌کند، صورت گرفت.

«روزن‌های گشوده آسمان» نشانگر فرارسیدن آزمون اُمگای درونی هیکل و دعوت به «بازگشت» هستند. این آزمون مستلزم شناسایی دو نماد است. هنگامی که فرشته سوم در سال ۱۸۴۴، و سپس بار دیگر در ۱۱ سپتامبر، رسید، به یوحنا گفته می‌شود که هیکل و عابدان در آن را اندازه‌گیری کند؛ بدین‌سان بر کاری نبوی در اندازه‌گیری هیکل و عابدان در سال ۲۰۲۳ دلالت می‌کند. ملاکی این پرسش را مطرح می‌کند که «خزانه» چیست و «طعام» کدام است؟ همین پرسش‌ها در رؤیای میلر چنین خواهد بود: «صندوقچه» چیست و «جواهرات» کدام‌اند؟

رؤیای میلر، روزن‌های گشوده آسمان را به منزله آن نقطه معرفی می‌کند که در آن، کلیسای پیروزمند باب نوزدهم مکاشفه، آراسته به کتان سفید، برمی‌خیزد تا بر اسبان سفید سپاه رب الجنود سوار شود. این روزن‌های گشوده همان‌جایی‌اند که برکت یا لعنت ملاکی فرو ریخته می‌شود. روزن‌های گشوده میلر همان‌جاست که خاکروبه برداشته می‌شود و گوهرها در صندوقچه گردآوری می‌شوند.

نخستین اشاره به روزن‌های آسمان در داستان نوح است، و چون آن روزن‌ها گشوده شد، چهل روز و چهل شب باران بارید. هنگامی که آن روزن‌ها گشوده می‌شوند، هشت نفس در کشتی‌اند. تعمید در دریای سرخ، چهل سال سرگردانی را در پی آورد تا آن‌گاه که از اردن عبور کردند. و چون مسیح بعدتر در همان مکان تعمید یافت، به مدت چهل روز به بیابان رانده شد. پس از رستاخیزش، چنان‌که تعمیدش نماد آن بود، پیش از صعودش به آسمان، به مدت چهل روز شاگردان را تعلیم داد.

وقتی کلیسا از کلیسای مجاهد به کلیسای ظفرمند تبدیل می‌شود، داوود پادشاه سی‌ساله چهل سال سلطنت خواهد کرد. کلیسای ظفرمند به وسیله یک نبی، یک کاهن و یک پادشاه نمایانده می‌شود. آن نبی که در آغاز خدمت بیست و دو ساله‌اش سی‌ساله بود، حزقیال بود، و او آن خدمت را هنگامی آغاز کرد که آسمان‌ها گشوده شدند.

و چنین شد که در سال سی‌ام، در ماه چهارم، در روز پنجم ماه، هنگامی که در میان اسیران کنار رودخانه کبار بودم، آسمان‌ها گشوده شد و رؤیاهای خدا را دیدم. حزقیال ۱:۱.

در سی‌سالگی، یوسف سلطنت را به‌عنوان کاهن آغاز کرد و با باد شرقی اسلام روبه‌رو شد که بحرانی فزاینده پدید آورد و به مصر، آن اژداهی که در دریا خفته است، اجازه داد تا حکومتی واحد جهانی را برقرار سازد. در آن بحران، یوسف گوشت را در انبارها گرد آورد.

در ژوئیه ۲۰۲۳، ندایی در بیابان شنیده شد؛ سپس شیر سبط یهودا به مهرگشایی پیام فریاد نیمه‌شب آغاز کرد. در ۲۰۲۴، آزمون آلفای بیرونی بنیادین دو طبقه را از هم جدا ساخت و فرآیند مهرگشایی ادامه یافت. اکنون در ۲۰۲۶، آزمون امگای درونی هیکل که بار دیگر دو طبقه را از هم جدا خواهد کرد، فرارسیده است.

هفته مقدسی که در آن مسیح، به‌عنوان فرستاده عهد، عهد را با بسیاری استوار ساخت، معادل صحن و قدس است. از بیست‌ودوم اکتبر ۱۸۴۴ تا زمانی که میکائیل برخیزد (چنان‌که در پایان همان هفته مقدس، هنگامی که استفانوس سنگسار شد، برخاست) قدس‌الاقداص است. اعیاد بهاری در آن هفته مقدس تحقق یافتند و آلفای اعیانند، و اعیاد پاییزی عید شیپورها در روز نخست، روز کفاره در روز دهم، و سپس عید خیمه‌ها از روز پانزدهم تا روز بیست‌ودوم، امگای اعیانند.

به همین قیاس، نمونه‌هایی که به ظهور ثانی مربوطند، باید در زمانی که در خدمت نمادین معین شده است تحقق یابند. در نظام موسوی، تطهیر مقدس، یعنی روز بزرگ کفاره، در روز دهم ماه هفتم عبری (لاویان ۱۶:۳۴-۳۴) واقع می‌شود؛ در آن هنگام کاهن اعظم، چون برای تمامی اسرائیل کفاره کرده و بدین‌سان گناهان ایشان را از مقدس برداشته بود، بیرون می‌آمد و قوم را برکت می‌داد. بدین‌سان باور بر آن بود که مسیح، کاهن اعظم والای ما، ظاهر خواهد شد تا با نابودی گناه و گناهکاران، زمین را تطهیر کند و قوم منتظر خویش را با جاودانگی برکت بخشد. روز دهم ماه هفتم، روز بزرگ کفاره، زمان تطهیر مقدس، که در سال ۱۸۴۴ با بیست‌ودوم اکتبر مصادف بود، زمان آمدن خداوند تلقی شد. این امر با دلایلی که پیش‌تر ارائه شده بود مبنی بر اینکه دو هزار و سیصد روز در پاییز پایان می‌یابد، همخوانی داشت و نتیجه‌گیری گریزناپذیر می‌نمود.

در مثل متی ۲۵، پس از زمان انتظار و خواب‌آلودگی، آمدن داماد فرا می‌رسد. این امر با استدلال‌هایی که به‌تازگی عرضه شد، چه از نبوت و چه از نمونه‌ها، موافق بود. آن استدلال‌ها متضمن یقین نیرومندی به صدق خود بودند؛ و «فریاد نیمه‌شب» از سوی هزاران ایماندار اعلام شد.

چونان موجی مدی، آن جنبش سراسر سرزمین را درنوردید. از شهری به شهری، از روستایی به روستایی، و تا نواحی دورافتاده روستایی پیش رفت، تا آنکه قوم منتظر خدا به تمامی برانگیخته شدند. تعصب‌ورزی در برابر این اعلان، چون یخبندان سحرگاهی در برابر خورشید برآینده ناپدید شد. مؤمنان دیدند که شک و سرگشتگی‌شان برطرف گشت، و امید و شجاعت دل‌هایشان را جان بخشید. این کار از آن افراط‌هایی که همواره آنگاه پدیدار می‌شود که شور و هیجان انسانی، بی‌نفوذ مهارکننده کلام و روح خدا، در میان است، میرا بود. از حیث سرشت، همانند آن فصول تذلل و بازگشت به سوی خدا بود که در میان اسرائیل باستان، پس از پیام‌های توبیخ‌آمیز خادمان او، پدید می‌آمد. خصلت‌هایی را داشت که کار خدا را در هر عصر نشان می‌دهد. شادمانی وجدآمیز اندکی در میان بود، و به جای آن، ژرف‌کاوی دل، اعتراف به گناه، و ترک دنیا در میان بود. آمادگی برای ملاقات با خداوند، بار جان‌های دردمند بود. دعای پایدار و تسلیم و وقف بی‌قید و شرط به خدا وجود داشت. مناقشه عظیم، ۴۰۰.

اعیاد بهاری در هفته مقدس تحقق یافتند، و باران آغازین، یا آلفا، آنگاه در پنطیکاست افاضه شد و بدین سان نمونه افاضه باران پسین در اعیاد پاییزی بود. آن اعیاد بهاری در لاویان 23، آیات 1 تا 22 بیان شده‌اند. اعیاد پاییزی در آیات 23 تا 44 آمده‌اند. 2300 سال شما را به 1844 می‌رساند. بیست و دو آیه برای اعیاد بهاری و بیست و دو آیه برای اعیاد پاییزی. دو مجموعه بیست و دو گانه در فصل بیست و سوم.

عید ابواق هشدار بود که داوری پس از ده روز رخ خواهد داد، و عید خیمه‌ها جشن شادمانی برای گناهیانی بود که در روز کفاره آمرزیده شدند. روز سبت و روز هشتم پس از عید نمایانگر استراحت سبتی هزارساله زمین‌اند.

اما، ای حبیبان، از این یک امر غافل مباشید که نزد خداوند یک روز چون هزار سال است، و هزار سال چون یک روز. دوم پطرس ۸:۳.

فرشته نخست افتتاح داوری را اعلام کرد، و در آن سطح نبوی، سال ۱۷۹۸ - که «زمان انتها» نزد دانیال بود - تحقق عید شیپورهاست؛ اما در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، پیام مهرگشوده فرشته نخست در ۱۷۹۸، با تحقق نبوت «وای دوم» اقتدار یافت. اسلام بخشی از هشدار عید شیپورهاست که نزدیک شدن روز داوری را اعلام می‌کند.

برای آنان که خواهان دیدن‌اند، اعیاد پاییزی شیپورها و خیمه‌ها نمایانگر اعیاد آلفا و امگا هستند، با داوری در میانه. تصادفی نیست که این اعیاد در لاویان باب بیست و سوم معین شده‌اند. عید بیست و سه نماد کفاره است. تصادفی نیست که نخستین عید در روز اول ماه هفتم باشد و آخرین عید در روز بیست و دوم پایان یابد. عید شیپورها نخستین حرف الفبای عبری است، روز کفاره حرف میانی است، و عید خیمه‌ها بیست و دومین حرف الفبای عبری است.

آیات ۲۳ تا ۴۴ باب بیست و سوم سفر لاویان، مجموعه‌ای از بیست و دو آیه است که در «چارچوب حقیقت» قرار گرفته‌اند. روز دهم در میانه، آزمونی را معرفی می‌کند، زیرا ده نماد آزمون است، و روز کفاره جایی است که شورش گمشدگان ثبت و حل و فصل می‌شود، و آن شورش با سیزدهمین حرف الفبای عبری نمایانده می‌شود. حرف میانی واژه عبری «حقیقت» سیزدهمین است، و با روز دهم ماه هفتم منطبق است، و به منزله نشانه راه، خصایص نبوی الفبای عبری و آن روز معین را داراست. ده به علاوه سیزده، بیست و سه است. هفتاد حاصل ضرب ده در هفت است، و روز دهم ماه هفتم نیز معادل هفتاد است، که نمادی از پایان دوران مهلت است.

سپس پطرس نزد او آمد و گفت: «خداوند، برادرم چند بار در حق من گناه کند و من او را ببخشم؟ آیا تا هفت بار؟» عیسی به او فرمود: «به تو نمی‌گویم تا هفت بار، بلکه تا هفتاد بار هفت.» متی ۱۸:۲۱، ۲۲.

چهارصد و نود سال برای اسرائیل قدیم منقطع گردید. این سال‌ها از دوره دوهزار و سیصدساله منقطع شدند و به صورت هفتاد هفته بازنمایی شدند؛ از این رو، عیسی مشخص ساخت که حد زمان مهلت آزمایشی چهارصد و نود سال است، همان‌که در دانیال نه با «هفتاد» هفته نمایانده شده است.

هفتاد هفته بر قوم تو و بر شهر مقدس تو مقرر شده است تا به تعدی خاتمه دهد، و به گناهان پایان بخشد، و برای گناهکاری کفاره کند، و عدالت جاودان را برقرار سازد، و رویا و نبوت را مهر کند، و قدس‌القدس را مسح نماید. دانیال ۹:۲۴.

واژه عبری‌ای که به «قطع شدن» ترجمه شده است، در عهد عتیق تنها در همین آیه به کار رفته و به معنای «تعیین شده یا مقرر» است. این واژه با واژه رایجی که معمولاً به «قطع شدن» ترجمه می‌شود تفاوت دارد؛ آن واژه بر بریدن قربانی‌ها به دست ابرام در نخستین گام بستن عهد در باب پانزدهم

پیدایش مبتنی است. چنین «تعیین» و «مقرر» شده بود که اسرائیل چهارصد و نود سال زمان مهلت داشته باشد و سپس، به عنوان قوم عهد خدا، «قطع» شوند. دو «قطع شدن» متفاوت در کار است: یکی که این دوره را به منزله دوره مهلتی نشان می‌دهد که به وسیله عدد هفتاد از عددی بزرگ‌تر «قطع» شده است؛ و دیگری زمانی است که «شراب نو» یونیل از دهان‌های ایشان «قطع» می‌شود؛ در آن هنگام مهلت خاتمه می‌یابد. هفتاد نمایانگر پایان مهلت است.

اعیاد پاییزی در بردارنده سه گام واژه عبری «حقیقت» هستند. ذکر این اعیاد در لایوان ۲۳:۲۳ آغاز می‌شود؛ نشان راه میانی روز کفاره، روز دهم و حرف سیزدهم است که برابر با ۲۳ است؛ و عید خیمه‌ها در روز بیست و دوم پایان می‌یابد، و سپس سبت بزرگی می‌آید که پس از عید است، و این بخش در ۲۳:۴۴ پایان می‌یابد.

سفر لایوان به معنای کهنات لایوانی است. اعیاد بهاری در باب 1:23-22 بیان شده‌اند و سپس اعیاد پاییزی در 23:23-44 بیان شده‌اند. اعیاد بهاری در بیست و دو آیه بیان شده‌اند، و الفبای عبری بیست و دو حرف دارد. اعیاد پاییزی نیز در بیست و دو آیه طرح شده‌اند. عید شیپورها نزدیک شدن داوری را در روز کفاره اعلام می‌کند. سپس عید خیمه‌ها به مدت هفت روز برپا می‌شود و در روز بیست و دوم ماه هفتم پایان می‌یابد. روز نخست این هفت روز سبت آیینی بود، همچنان که روز هشتم نیز - که روز پس از عید هفت‌روزه بود - سبت آیینی بود. روز نخست و روز هشتم، روز هشتم را نماد هشتم برخاسته از هفت می‌گردانند.

به بنی اسرائیل چنین بگو: روز پانزدهم این ماه هفتم، عید خیمه‌ها برای خداوند، به مدت هفت روز خواهد بود. در روز نخست، مجمعی مقدس خواهد بود؛ در آن هیچ کار مشقت‌آمیزی مکنید. هفت روز برای خداوند قربانی آتشین تقدیم کنید؛ و در روز هشتم برای شما مجمعی مقدس خواهد بود، و قربانی آتشین برای خداوند تقدیم خواهید کرد؛ آن روز اجتماع مجتشم است؛ و در آن هیچ کار مشقت‌آمیزی مکنید. ... و نیز در روز پانزدهم ماه هفتم، چون میوه زمین را جمع کرده‌اید، برای خداوند هفت روز عید نگاه خواهید داشت: روز نخست سبت خواهد بود، و روز هشتم سبت خواهد بود. لایوان ۳۴:۳۳-۳۶، ۳۹.

سبت آیینی روز هشتم، نمایانگر سبت هزاره است که در پی عید خیمه‌ها می‌آید. سرگردانی اسرائیل باستان در بیابان به مدت چهل سال، در ایام عید خیمه‌ها با سکونت در کپرها گرامی داشته می‌شود؛ و این عید، نه تنها نمایانگر ریزش باران آخر است، بلکه وقت تنگی یعقوب را نیز می‌نمایاند، هنگامی که فرشتگان وفاداران خدا را برای حفاظت به تپه‌ها و کوه‌ها هدایت کرده‌اند.

در زمان تنگی، همگی از شهرها و روستاها گریختیم، اما به دست شیران تعقیب شدیم؛ آنان که با شمشیر به خانه‌های قدیسان درآمدند. شمشیر را برای کشتن ما برافراشتند، اما شکست و چون کاهی ناتوان فرو افتاد. آنگاه همه روز و شب برای رهایی فریاد برآوردیم، و آن فریاد به حضور خدا بالا رفت. خورشید برآمد، و ماه ایستاد. جویبارها از جریان باز ایستادند. ابرهای تیره و سنگین برخاستند و بر یکدیگر کوفتند. اما موضعی روشن از جلال مستقر بود که از آن، آواز خدا چون خروش آب‌های بسیار برمی‌آمد، آوازی که آسمان و زمین را می‌لرزاند. آسمان گشوده و بسته می‌شد و در تلاطم بود. کوه‌ها چون نی در باد می‌لرزیدند و صخره‌های دندان‌دار را به هر سو پرتاب می‌کردند. دریا چون دیگی می‌جوشید و سنگ‌ها را بر خشکی می‌افکند. و چون خدا روز و ساعت آمدن عیسی را بیان کرد و عهد جاودان را به قوم خود سپرد، هر بار جمله‌ای می‌گفت و سپس درنگ می‌کرد، تا آن سخنان در سراسر زمین طنین‌افکن شود. اسرائیل خدا ایستاده بودند و چشمان خود را به بالا دوخته، به کلماتی گوش می‌دادند که از دهان یهوه بیرون می‌آمد و چون غرش بلندترین تندرهای در سرتاسر زمین می‌پیچید. این واقعه بسی پرهیبت و وقارآمیز بود. در پایان هر جمله، قدیسان فریاد برمی‌آوردند: جلال! هلولویا! سیمای ایشان از جلال خدا روشن شده

بود؛ و با همان جلال می‌درخشیدند، چنان‌که روی موسی آنگاه که از سینا فرود آمد، می‌درخشید. شریبان به سبب آن جلال توان نگریستن بر ایشان را نداشتند. و چون بر آنان که خدا را با مقدس داشتن سبت او حرمت نهاده بودند، برکت بی‌پایان اعلام شد، فریادی عظیم از پیروزی بر وحش و بر تمثال او برخاست.

«آنگاه سال یوبیل آغاز گردید، هنگامی که زمین می‌بایست بیاساید.» ۲۱، Review and Herald، ژوئیه ۱۸۵۱.

عیسی بازمی‌گردد و زمین به مدت هزار سال استراحت می‌کند، چنان‌که به صورت پیش‌نمونه در سبت سال هفتم زمین و یوبیل نمودار شده است. در آیه سه سفر لایوان، باب بیست‌وسوم، سبت روز هفتم برای انسان به‌عنوان دیباچه فصلی معرفی می‌شود که با «هشتم»، یعنی از آن هفت، پایان می‌یابد و نمایانگر سبت سال هفتم برای آرمیدن زمین است.

و خداوند با موسی سخن گفت و فرمود: به بنی‌اسرائیل بگو و بدیشان اعلام کن: درباره اعیاد خداوند، که باید آنها را اجتماعات مقدس اعلام کنید، اینها اعیاد من‌اند. شش روز کار انجام شود، اما روز هفتم سبت آرامش است، اجتماع مقدس؛ هیچ کاری در آن مکنید؛ این سبت خداوند است در جمیع مساکن شما. لایوان ۱: ۲۳-۳.

آلفای باب بیست‌وسوم، سبت روز هفتم است، و امگای باب، هزار سال خالی‌بودن زمین است که نمونه آن در سبت سال هفتم برای زمین و در سال یوبیل نهاده شده است. آلفای باب، اعیاد بهاری است که با سبت روز هفتم آغاز می‌گردد و در آیه بیست‌ودوم پایان می‌یابد؛ حال آنکه امگای باب در روز بیست‌ودوم ماه هفتم به پایان می‌رسد و در پی آن سبت آیینی روز هشتم می‌آید که نمایانگر سبت سال هفتم زمین است.

آیات یک تا بیست‌ودو نمایانگر کار مسیح، به‌عنوان کاهن اعظم آسمانی، در قدس است؛ آیات بیست‌وسه تا چهل‌وچهار نمایانگر کار او در قدس الاقداس است. کتاب لایوان نماد کاهنان است و نمایانگر خدمت کهنات اعظم مسیح است. سبت آلفای روز هفتم به آفرینش بازمی‌گردد، و سبت امگای سال هفتم تا زمین نوشته امتداد می‌یابد. باب بیست‌وسوم لایوان از حیث تاریخی از آفرینش تا بازآفرینی را در بر می‌گیرد.

شادی یا شرم پیام نبوی نماد کسانی است که یا حامل پیام فریاد نیمه‌شب‌اند یا بدل آن. تا هنگامی که این حقیقت در روایت ملحوظ نشود، مسئله‌ای که شرم را پدید می‌آورد نادیده می‌ماند. آنان که روغن حقیقی را در اختیار دارند، از این نکته غفلت نخواهند کرد. شادی به‌وسیله کسانی که گناهانشان زدوده شده است نمایانده می‌شود، و ایشان به‌وسیله کسانی که عید خیمه‌ها را برپا می‌دارند نمایندگی می‌شوند.

و کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد، (و ما جلال او را دیدیم، جلالی چون جلال یگانه‌زاده پدر،) پر از فیض و راستی. یوحنا ۱: ۱۴.

واژه یونانی که به «ساکن شد» ترجمه شده است، به معنای «خیمه‌گزیدن» است. عیسی جسد گردید و با ما خیمه‌گزید. او طبیعت انسانی ما، خیمه‌گاه ما، چادر ما، آلاچیق ما، جسد ما را بر خود گرفت. پطرس چنین گفت:

بلی، شایسته می‌دانم که تا زمانی که در این خیمه هستم، با یادآوری، شما را برانگیزانم؛ زیرا می‌دانم که به زودی باید این خیمه خود را کنار نهم، چنان‌که خداوند ما عیسی مسیح به من نشان داده است. دوم پطرس ۱: ۱۳، ۱۴.

پولس آن را چنین بیان کرد:

زیرا می‌دانیم که اگر خانه زمینی این خیمه ما برچیده شود، ساختمانی از جانب خدا داریم، خانه‌ای که ساخته دست‌ها نیست، جاودانه در آسمان‌ها. زیرا در این ناله می‌کنیم و بسیار مشتاقیم که با خانه خود که از آسمان است، بر تن پوشیده شویم؛ اگر چنان باشد که چون پوشیده شویم، برهنه یافت نشویم. زیرا ما که در این خیمه‌ایم، از آن رو که سنگین‌باریم، ناله می‌کنیم؛ نه از آن جهت که بخواهیم برهنه شویم، بلکه تا ملبس شویم، تا فانیت در حیات فروبلعیده شود. دوم قرن‌تین 1:4-5

عید خیمه‌ها نماد مهر شدن صد و چهل و چهار هزار است، که با گشوده شدن پنجره‌های آسمان تحقق می‌یابد. هنگامی که گناهان صد و چهل و چهار هزار زدوده شوند، روح‌القدس بی‌حد و اندازه بر کلیسای ظفرمند افاضه خواهد شد. داوری برای صد و چهل و چهار هزار به پایان می‌رسد و آنان که مهر شده‌اند، در قوت روح‌القدس برای اعلام ندای بلند فرشته سوم روانه می‌شوند، چنان که در عید خیمه‌ها تمثیل شده است.

بدن ما هیكل است و نیز خیمه‌ای، یعنی خیمه اجتماع. کسانی که برای برگزاری عید خیمه‌ها به اورشلیم گرد می‌آمدند، این را جشن می‌گرفتند که گناهانشان زدوده شده بود. خدا موسی را به کار گرفت تا خیمه اجتماع را در بیابان برپا سازد، و عید خیمه‌ها در فرجام، با سکونت در سرپرده‌های موقت در بیابان جشن گرفته شد، زیرا عیسی همواره پایان را با آغاز تمثیل می‌کند.

از این رو، ای برادران مقدس، شریکان دعوت آسمانی، بر رسول و کاهن اعظم اقرار ما، یعنی مسیح عیسی، تأمل کنید؛ او که نسبت به آن که وی را مقرر فرمود امین بود، همان‌گونه که موسی نیز در تمام خانه او امین بود. زیرا این شخص از موسی به جلال بیشتر شایسته شمرده شد، از آن رو که سازنده خانه از خود خانه حرمت افزون‌تری دارد. زیرا هر خانه‌ای را کسی می‌سازد، اما سازنده همه چیز خداست. و موسی در تمام خانه او، به راستی، چونان خادمی امین بود، تا بر اموری که بعداً گفته می‌شد شهادت دهد؛ اما مسیح، چون پسر، بر خانه خود امین است؛ و ما آن خانه‌ایم، اگر دلیری و فخر امید را تا به پایان استوارانه نگاه داریم. عبرانیان ۱:۳-۶.

موسی، خادم امینی بود که خدا او را به کار گرفت تا خیمه اجتماع را برافرازد؛ اما مسیح، به منزله کاهن اعظم و رسول، از آن خادم، یعنی موسی، جلالی افزون‌تر دارد. هر خانه‌ای، از خیمه اجتماع موسوی، تا معبد سلیمان، تا معبد هیروودس که طی چهل‌وشش سال بازسازی شد، و نیز معبد انسان با چهل‌وشش کروموزومش، و معبد میلری سال‌های ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، همه به دست خدا بنا شده‌اند. در خط نبوی تجلیات گوناگون معابد، که از باغ عدن آغاز می‌شود، سپس پس از گناه در دروازه باغ، و آنگاه پس از طوفان، بر مذبح تا روزگار موسی؛ سه نشانه راه اصلی عبارت‌اند از موسی، مسیح و یک‌صد و چهل و چهار هزار.

موسی و مسیح آلفا و امگای اسرائیل باستان‌اند، و با هم نمایانگر ترکیب انسانیت و الوهیت؛ ترکیبی که در صد و چهل و چهار هزار نیز نمود یافته است. با فرارسیدن فرشته سوم، در باب یازدهم کتاب مکاشفه، به یوحنا گفته می‌شود که هیكل را اندازه بگیرد، و با فرارسیدن همان فرشته در یازدهم سپتامبر نیز، به یوحنا دوباره گفته می‌شود که هیكل را اندازه بگیرد. در هر دو مورد، به او گفته می‌شود که صحن 1,260 روز را فروگذارد. در سال 2023 همان فرشته رسید، و اکنون قوم خدا فراخوانده شده‌اند تا هیكل را اندازه بگیرند. 1,260 روز، یا سه روز و نیم، در سال 2023 به پایان رسید، و از آن نقطه تا اندکی پیش از قانون یکشنبه، هیكل باید برافراشته گردد. در سال 2024 بنیادهای نهاده شد، و در آن، عصیان به صورت گروهی که «روز امور خرد را خوار می‌شمردند» و به تعیین میلر درباره نمادی که رؤبا را تثبیت می‌کند اعتراض داشتند، آشکار گشت.

و نیز کلام خداوند بر من آمد و گفت: دست‌های زروبابل شالوده این خانه را نهاده‌اند؛ همان دست‌ها آن را نیز به اتمام خواهند رساند؛ و تو خواهی دانست که خداوند لشکرها مرا نزد شما فرستاده است. زیرا کیست که روز چیزهای کوچک را خوار شمرده است؟ زیرا ایشان شادمان خواهند شد و شاغول را در دست زروبابل، با آن هفت، خواهند دید؛ ایشانند چشمان خداوند که در تمامی زمین در رفت‌وآمدند. زکریا ۸: ۴-۱۰

ردّ تشخیص می‌لر مبنی بر این‌که روم است که رؤیا را استوار می‌سازد، به منزله ردّ بنیان‌هاست و همان «حقیر شمردن روز امور کوچک» است. جنبش میلری، جنبش آلفای فرشتگان اول و دوم بود، و جنبش یکصد و چهل و چهار هزار، جنبش اُمگای فرشته سوم است. این، بیست‌ودو برابر نیرومندتر از آلفاست. در این معنای نبوی، بنیان‌های جنبش میلری همان «روز امور کوچک» است. حقیر شمردن هر حقیقت بنیادینی که بر دو لوح حقوق نمایانده شده است، مردن است؛ زیرا رؤیایی که در آیه چهاردهم باب یازدهم دانیال استوار می‌گردد، همان رؤیایی است که سلیمان آن را مشخص کرد.

در جایی که مکاشفه‌ای نیست، قوم هلاک می‌شود؛ اما هر که شریعت را پاس می‌دارد، خوشبخت است. امثال ۱۸: ۲۹.

بینش سنگ اختتام شگفت‌آور است، زیرا نشان می‌دهد که سنگ زاویه بنیادین همان سنگ اختتام نیز هست، اما با قدرتی بیست‌ودو برابر. آزمون بنیادین آلفای سال ۲۰۲۴ پیام مهرکردن عقلانی بیرونی بود و آزمون معبد اومگای سال ۲۰۲۶ پیام مهرکردن روحانی درونی است. یکی تمثال و نشان وحش را مشخص می‌کند و دیگری تمثال و نشان خدا را. آن آزمون درونی اومگا به وسیله دو نماد خواب می‌لر ممثل است که باید در سیاق رویدادهای آخرالایام تعریف شوند. خزانه چیست؟ و خوراک چیست؟

این موارد را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

ازدواج یهودی در روزگار عیسی متشکل از سه مرحله اصلی بود که غالباً طی چند ماه یا تا یک سال امتداد می‌یافت. گام نخست ازدواج قانونی بود که «نامزدی» خوانده می‌شد؛ در آن هنگام ازدواج از نظر قانونی محقق می‌شد، اما عروس و داماد جدا از هم می‌ماندند و داماد به خانه پدر خود بازمی‌گشت تا مکانی برای عروس خویش مهیا کند. از این‌رو مریم، همسر یوسف، حتی پیش از آن‌که با هم زندگی کنند، همسر او خوانده می‌شد. خیانت در این دوره، زنا محسوب می‌شد.

دوره انتظار نامعلوم بود و ممکن بود روزها، هفته‌ها یا ماه‌ها به طول بینجامد. این عدم قطعیت عنصری اساسی در تمثیل است. پدر ممکن بود تا یک سال درنگ کند تا عفت عروس را احراز کند. داماد روز و ساعت دقیق بازگشت خود را اعلام نمی‌کرد، زیرا تعیین زمان به تصمیم پدر او واگذار بود؛ از این‌رو عروس می‌دانست که عروسی در پیش است، اما نمی‌دانست چه هنگام. این عدم قطعیت عمدی بود، و تا زمانی که پدر به داماد فرمان نمی‌داد که برود و عروس خود را بیاورد، همه امور مربوط به آن در انتظار می‌ماند.

هرگاه پدر می‌گفت: «برو و عروست را بیاور»، داماد شبانه، به همراه دوستان، با فریاد و دمیدن در شیپور می‌آمد. این امر همواره شب‌هنگام انجام می‌شد تا از پیمودن فاصله‌های طولانی در گرمای روز — که در سرزمین اسرائیل طاقت‌فرساست — پرهیز شود. مشعل‌ها و روغن لازم بود، زیرا چراغ‌های خیابانی وجود نداشت و موکب می‌توانست ساعت‌ها به درازا بکشد. عبارت آیینی در ازدواج‌های باستانی عبرانیان که در خلال موکب‌ها اعلام می‌شد، این بود: «اینک داماد می‌آید!»

دوشیزگان (ساقدوشان) در مثل زنان اتفافی نبودند؛ آنان ساقدوشان عروس بودند، که با او در انتظار می‌نشستند، انتظار می‌رفت به موکب عروسی بپیوندند، و مکلف بودند در هر ساعتی آماده باشند و روغن خویش را برای روشن کردن راه تا خانه داماد با خود حمل کنند. مشعل‌ها تند می‌سوختند؛

از این رو آوردن روغن اضافی، در صورت طولانی شدن مسیر، ضرورتی بود. هیچ‌گونه اشتراکِ جمعی روغن در کار نبود.

تأخیر در موکب و آیین ازدواج در روزگار باستان امری معمول بود و از حیث فرهنگی مسئله‌ای پدید نمی‌آورد. انتظار تأخیر می‌رفت و به خواب رفتن نیز طبیعی بود. تمایز در خوابیدن نیست، بلکه در آمادگی است، نه در بیداری. دوشیزگان نادان، برخلاف خردمندان، برای تأخیر تدبیری نیندیشیدند. همگان در فاصله میان نامزدی قانونی تا تکمیل ازدواج و وصال زناشویی، که ممکن بود یک سال به درازا بکشد، به خواب می‌رفتند.

چون موکب به خانه داماد رسید، ضیافت عروسی آغاز شد و درب برای همیشه بسته شد و دیرآمدگان پذیرفته نشدند. این قساوت نبود، بلکه رسم بود؛ زیرا هر کس پس از بسته شدن درب، بعداً در می‌کوبید، به این معنا بود که از همراهان موکب به شمار نمی‌آمد.

عیسی تصاویر تازه‌ای ابداع نمی‌کرد، و برخلاف آنچه اغلب می‌کرد، برای این مثل هیچ توضیحی ارائه نکرد. او نیازی به ارائه توضیح نداشت، زیرا همه این جزئیات فرهنگی برای مخاطبانش کاملاً مفهوم بود. عیسی یک ازدواج شرقی عینی را نشان می‌داد، نه مفهومی انتزاعی.

جزئیات به‌طور کامل مورد تأیید شهادت عبری و نیز مورخان ادوار رومی و یونانی قرار می‌گیرند.

میشنا (سده دوم میلادی، اما حافظ آیین‌های دوران هیکل پیش از سال ۷۰ میلادی)

تلمود (تدوین متأخر، اما ناقل سنت پیشین)

یوسفوس (مورخ یهودی سده نخست میلادی)

لیتورژی ازدواج حاخامی و مباحث حقوقی حاخامی

ناظران یونانی-رومی یهودیه

یوسفوس یک «دستنامه منسجم ازدواج» به دست نمی‌دهد، اما جزئیات حقوقی و فرهنگی‌ای که مفروض می‌انگارد، دقیقاً با توصیف‌های میشنا/تلمود منطبق است. میشنا منبع کلیدی است.

این تمثیل بر شنونده یهودی سده نخست چنان کوبنده فرود می‌آید، زیرا در متی ۲۵ هیچ چیز نیازمند توضیح نبود. فرارسیدن در نیمه‌شب امری متعارف بود، چراغ‌ها و روغن از ضروریات بدیهی به‌شمار می‌رفتند، تأخیری میان نامزدی قانونی زناشویی و موکب نیمه‌شبی متوقع بود، و بسته بودن در، رویه رایج به‌شمار می‌آمد! دوشیزگانی که بیرون ماندند، شرمسار شدند، و از نظر شنوندگان یهودی روزگار عیسی، شرم دوشیزه نادان کاملاً به‌حق بود. چون آیین را به‌تمامی می‌شناختند، شنوندگان عیسی هیچ همدردی‌ای با دوشیزگان نادان نداشتند، زیرا همه می‌دانستند که آمادگی وظیفه‌ای مطلق برای هر دوشیزه‌ای است که برای حضور در موکب فراخوانده می‌شد. این حقایق برای شنوندگان یهودی چنان بدیهی بود که عیسی هرگز نیازی ندید هیچ توضیحی درباره تمثیل ارائه کند.